

عَلَّمَ الْغُلَامَ



پایان نامہ جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد

موضوع:

سیر تحول آموزش و مراکز آموزشی پلیس

استاد راهنما :

دکتر حسن زندیہ

استاد مشاور:

دکتر شہرام یوسفی فر

دانشجو:

جواد یوسفی

تقدیم به همسر فداکار

و

دختر عزیزم....

سپاس خدای متعال را که با لطف و مهربانی بندگان را در رسیدن به اهداف نیکشان یاری می کند.

حین تحصیل در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی افتخار شاگردی اساتید بزرگواری را داشتم که از ایزد منان عزت و سربلندی آنان را آرزومندم.

از جناب آقای دکتر حسن زندیه که فراتر از استاد راهنما، مشوق و راهنمای اینجانب بودند همچنین از حمایت ها و راهنمایی های استاد مشاور محترم، جناب آقای دکتر شهرام یوسفی فر و ریاست محترم پژوهشکده تاریخ جناب آقای دکتر سید محمدرحیم ربانی زاده و داور محترم استاد جناب آقای دکتر محمد امیر احمدزاده که در این پژوهش اینجانب را همراهی، یاری و نقد نمودند کمال تشکر و سپاس را دارم.

از همکاران عزیزم که اینجانب را در تحصیل و پژوهش همکاری نمودند کمال تشکر و قدردانی را دارم.

چکیده :

شکست نظامی ایران از روسیه و همچنین عدم وجود امنیت و نظم در امور داخلی ، زمامداران عصر قاجاریه را به این فکر انداخت که تغییراتی در نحوه آموزش نیروهای نظامی و انتظامی ایجاد شود . در همین راستا اعزام محصلین به اروپا ، تأسیس مدرسه دارالفنون ، تأسیس مدرسه قزاقخانه ، تأسیس مدارس نظامی توسط سوئدی ها و استخدام مستشاران نظامی صورت گرفت . در این بین ، استخدام مستشاران فرانسوی ، انگلیسی ، روسی مفید نبود و اعزام محصلین نظامی ادامه پیدا نکرد و مدارس نظامی به دلیل کمبود بودجه ، کارشکنی بیگانگان و برخی مقاصد سیاسی نتایج مهمی به بار نیاورد . بعد از کودتای ۱۲۹۹ به تدریج اصطلاحات و قوانین انتظامی و نظامی دوره قاجاری تغییر و تحول پیدا کرد و همزمان مدارس نظامی که پیش از این مستقل از دولت و زیر نظر افسران خارجی هدایت می شد ، در یکدیگر ادغام و با نام قشون متحدالشکل تحت نظارت وزارت جنگ در آمد . در دوره ی پهلوی اول همچون دوره گذشته سیاست اعزام محصل نظامی ، استخدام مستشاران نظامی و تأسیس مدارس نظامی به نحو جدی تری ادامه پیدا کرد اما تأکید بر ایجاد مدارس نظامی بود . مدارس نظامی مختلفی برای دوره های سنین پایین ، دبستان و دبیرستان تخصصی ایجاد شد و برای دوره های بالاتر ، آموزشگاههای گروهبانی ، ستوان سومی و ستوان دومی به وجود آمد . فارغ التحصیلان مدارس نظامی در قوای مسلح همچون امنیت و نظمیه به کار گرفته می شدند . بنابراین آموزش امور انتظامی در دوره پهلوی اول در آموزشگاههای عمومی تدریس می شد و این تشکیلات مدارس نظامی موجب ایجاد پلیس مدرن و کارآمد شد و همچنین زمینه ای برای ایجاد دانشکده های پلیس در دوره ی بعد از شهریور ۱۳۲۰ شد . این پژوهش برآن است با استفاده از همه ی منابع موجود به توصیف و تحلیل آموزش پلیس در دوره پهلوی اول بپردازد .

کلید واژه ها : مراکز آموزشی پلیس - دانشکده افسری - پهلوی اول - شهربانی - نظمیه - امنیت .

فهرست مطالب

صفحه	عناوین
۹	فصل اول : کلیات تحقیق :
۱۰	۱-۱- بیان مسأله
۱۱	۱-۲- اهمیت و ضرورت پژوهش
۱۱	۱-۳- اهداف و روش پژوهش
۱۲	۱-۴- سؤال های پژوهش
۱۲	۱-۵- فرضیه پژوهش
۱۲	۱-۶- پیشینه پژوهش
۱۳	۱-۷- بررسی منابع

فصل دوم : آموزش و تحول پلیس از آغاز سلسله قاجاریه تا

کودتای ۱۲۹۹

۱۶ ۱-۲- تحول پلیس در دوره قاجار تا پیش از کودتای ۱۲۹۹

۲۲ ۲-۲- مستشاران نظامی خارجی - اعزام محصلین

۲۶ ۳-۲- مدرسه دارالفنون

۲۹ ۴-۲- مدارس قزاقخانه

۳۱ ۵-۲- مدرسه سوئدی ها

۳۵ ۶-۲- مدرسه نظام مشیرالدوله

۳۶ ۷-۲- دیگر مدارس نظامی

فصل سوم : تحول نظام آموزشی پلیس ایران (۱۲۹۹ه.ش - ۱۳۲۰ه.ش)

۳۹ ۱-۳- قشون متحدالشکل

۴۷ ۲-۳- درجه داری

فصل چهارم : ساختار آموزشی پلیس (۱۳۹۹.ش - ۱۳۲۰.ش)

۵۹	۴-۱-اعزام محصل نظامی
۶۴	۴-۲-مدارس کل نظام
۶۷	۴-۲-۱- دبستان و دبیرستان نظام
۶۹	۴-۲-۲- آموزشگاههای گروهبانی
۷۳	۴-۲-۳- آموزشگاههای ستوان سومی
۸۳	۴-۲-۴- آموزشگاههای ستوان دومی
۸۶	۴-۳- دانشکده افسری
۸۸	۴-۴- مدرسه موسیقی
۹۰	نتیجه گیری
۹۲	منابع
۱۰۰	ضمائم
۱۵۳	چکیده انگلیسی

فصل اول :

کلیات تحقیق

بیان مسأله :

در عصر قاجار ، ضرورت نیاز به آموزشی های نظامی و انتظامی به وجود آمد . ابتدا عباس میرزا و سپس امیرکبیر و میرزا حسین خان سپهسالار اهمیت آموزش نوین و ایجاد نیروهای منظم ، تعلیم دیده ، کارآمد ، متمرکز و دائمی را درک کرده و شرایط انجام تغییر و تحول در این زمینه ها را به وسیله مستشاران نظامی کشورهای مختلف فراهم آوردند . علیرغم اصلاحات نظامی در دوره ناصری ، آموزش نظامی و پلیسی ضعیف بود . فرمان مشروطیت در سال ۱۳۲۴ ه.ق زمینه ایجاد حکومتی دموکراتیک و مدرن را فراهم آورد ولی رفته رفته مملکت به سوی بی ثباتی و هرج و مرج پیش رفت و انقلاب مشروطه نتوانست اهداف مدرن خود را اجرایی کند . در چنین شرایطی مردم آرزوی استقرار حکومتی مقتدر را داشتند که بتواند بر این نابسامانیها غلبه کرده و نظم و امنیت را در زمینه های مختلف فراهم آورد . انقلاب ۱۹۱۷ روسیه ، اتمام جنگ اول جهانی و خروج تدریجی نیروهای انگلیسی و روسی از ایران فضای مناسبی برای ایجاد دولت مقتدر ایجاد کرد . حضور یک چهره ی نظامی ایرانی یعنی سرتیپ رضاخان سوادکوهی در رأس امور ، تمامی ارکان لشگری و کشوری را تحت تأثیر روحیه نظامی قرار داد . از این به بعد استقرار نظم و امنیت حتی با زور و دیکتاتوری دغدغه اصلی زمامداران کشور شد . آموزش نظامی که پیش از این جرقه های آن زده شده بود ، با جدیت بیشتری دنبال شد . این پژوهش به دنبال آن است که تحولات آموزش و مراکز انتظامی در دوره پهلوی اول را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل دقیق قرار دهد .

اهمیت و ضرورت پژوهش :

عدم پژوهش دقیق درباره ساختار آموزش انتظامی ایران در دوره پهلوی اول ، ضرورت این پژوهش را تبیین می نماید . در واقع بررسی چگونگی و جایگاه آموزش انتظامی در دوره پهلوی اول اهمیت به سزایی در این پژوهش دارد به خصوص آنکه نگارنده این پژوهش خود از افسران نیروی انتظامی است و فهم کم و کیف تحول در نظام آموزشی پلیس ، ضرورت ها و پیامدهای آن به خصوص در دوره تمرکزگرایی عصر پهلوی اول و احتمالاً تعمیم و تسری این آموزه ها بر ضرورت و اهمیت این پژوهش می افزاید .

اهداف و روش پژوهش :

مطالعه در نحوه ساختار آموزش انتظامی و سیر تحول مراکز آموزشی پلیس در این دوره و دریافت نکات ضعف و قوت آن و تناسب آموزش ها با مقتضیات زمانی و نقد و بررسی کیفیت و نیز کارآمدی مهمترین اهداف این پژوهش است .

این پژوهش برآن است با استفاده از همه ی منابع مکتوب ، نشریات و اسناد موجود به توصیف و تبیین آموزش پلیس در دوره پهلوی اول بپردازد .

سؤال پژوهش :

سیر تحول پلیس و مراکز آموزشی پلیس با توجه به برنامه مدرنیزاسیون رضاخان چگونه بود و چه جایگاهی داشت ؟

فرضیه پژوهش :

نظر به ایجاد پلیسی کارآمد و متناسب با اقتضائات دولت مقتدر و متمرکز پهلوی اول نظام و مراکز آموزشی پلیس دستخوش تحول اساسی گردید و پلیسی منظم، مدرن و کارآمد به وجود آمد .

پیشینه پژوهش :

اگر چه درباره آموزش نظامی و پلیسی در دوره پهلوی اول تحقیق مستقلی صورت نگرفته اما درباره تاریخچه نظام و پلیس ایران در این دوره تحقیقاتی صورت پذیرفته است . کتابهایی چون « نظمیه در دوره پهلوی » از یحیی افتخارزاده « تاریخ دوهزارپانصدساله ایران » از امینی « ارتش و تشکیل حکومت پهلوی » از استفانی کرونین « امنیت در دوره رضاشاه » مصطفی تقوی مقدم « رضاشاه و قشون متحدالشکل » باقر عاقلی « تاریخ ژاندامری ایران از قدیمترین ایام تا عصر حاضر » از جهانگیر قائم مقامی « تاریخچه پلیس ایران » از افشار و « سیری در تاریخ ارتش ایران » از میرحسین یکرنگیان از این جمله اند .

کتاب « سیری در تاریخ ارتش ایران » نوشته میرحسین یکرنگیان کتاب ۶۰۰ صفحه ای است که تاریخ ارتش ایران از زمان هخامنشیان تا زمان پهلوی را توصیف کرده است . البته تا دوره قاجاریه را به طور خلاصه در چند صفحه بیشتر توضیح نداده است . مرتبط ترین مطالب این کتاب بخش دهم آن است که نگاهی به تاریخچه آموزشگاههای نظامی ایران در دوره قاجار و پهلوی دارد . کتاب دیگر در این زمینه کتاب « تاریخ تحولات ارتش ایران » است که نام نویسنده و نام ناشر آن مشخص نیست . این کتاب به لحاظ وجود عکسهای رنگی از لباس و چهره های نظامی ایران در دوره های مختلف حائز اهمیت است . کتاب «تاریخ ژاندارمری ایران » نوشته جهانگیر قائم مقامی ، کتاب ۵۷۰ صفحه ای است که به دستور ارتشبد قره باغی ، فرمانده ژاندارمری وقت تهیه و تدوین شده است . این کتاب توانسته از اسناد وزات خارجه ایران ، آلمان ، فرانسه و اسناد ارتش ایران ، اسناد دربار شاهنشاهی و برخی دیگر از سازمان های اسنادی استفاده کند . در بخشی از این کتاب به مراکز آموزشی در دوره پهلوی اول اشاره دارد .

بررسی منابع :

در کتابهای خاطرات نظامیان مطالب منحصر به فرد و مهمی درباره آموزش نظامی وجود دارد . به طور مثال می توان به کتاب های خاطرات سرهنگ احمد اخگر ، سپهد امیراحمدی ، سرهنگ جلیل بزرگمهر ، سرلشگر ناصر فرید و سرلشگر افتخارزاده اشاره کرد . بزرگمهر ، نویسنده کتاب زندگی نامه من از جمله محصلین نظامی در دوره رضا شاه بود که در کتابش در چند بخش به خاطرات خود در دانشکده افسری پرداخته است . ناصر فرید نیز در کتاب «نقش ارتش در تحولات تاریخی ایران » دوران ارتش را به دوره نامنظم و منظم تقسیم کرده است که دوره ی منظم را از دوره پهلوی می داند

که در این بخش نگاهی به مدارس نظامی در دوره پهلوی اول دارد . فرید تاریخ زندگی اش را تا سال ۱۳۵۸ که رئیس ستاد کل ارتش بود ، ادامه می دهد . یحیی افتخار زاده در کتاب « نظمیه در دوران پهلوی » مطالبی درباره ی دانشکده افسری در دوره رضاشاه وجود دارد اما اکثر مطالب مهمی که به صورت مفصل آورده ، مربوط به تحولات پلیس پس از سال ۱۳۲۰ه.ش است . سپهبد امیراحمدی در کتاب « خاطرات نخستین سپهبد ایران » درباره تشکیلات قزاقخانه قبل از کودتا ، وضع قشون در تهران و شهرستان ها و چگونگی مقابله با شورش ها مطالبی را در اختیار مخاطب قرار می دهد . امیر احمدی با آنکه در تشکیلات امنیه نقش مؤثری داشت اما در این کتاب از فضای آموزش پلیس مطلبی ذکر نکرده است .

غیر از کتب خاطرات ، اسناد منتشر نشده و نشریات از جمله منابع دست اول هستند . در سازمان اسناد ملی درباره مکاتبات و گزارشهای آموزشگاههای پلیس در دوره رضاشاه اسنادی وجود دارد که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است . نشریات در دوره ی رضاشاه در مقایسه با دوره ی قبل و بعدش فراوان نیست و از نشریات مرتبط با ارتش می توان به نشریه قشون (۱۳۰۲ - ۱۳۱۳) ، نامه شهربانی (۱۳۱۴ - ۱۳۲۰) مهنامه ارتش (۱۳۰۰ - ۱۳۲۰) اشاره کرد که در این نشریات مطالب چندانی درباره چگونگی آموزش انتظامی در این دوره به چشم نمی خورد اما روزنامه اطلاعات به عنوان یک روزنامه عمومی و پیوسته در این دوره مطالب مرتبط تری نسبت به دیگر نشریات تخصصی دارد . در روزنامه اطلاعات اعلامیه های مدارس نظامی به چاپ می رسید و جشن های فارغ التحصیلی محصلین این مدارس به دلیل حضور رضاشاه انعکاس کامل پیدا می کرد .

فصل دوم :

آموزش و تحول پلیس از آغاز سلسله قاجاریه تا

کودتای ۱۲۹۹.ه.ش

تحول آموزشی پلیس در دوره قاجار تا پیش از کودتای

۱۲۹۹.ش :

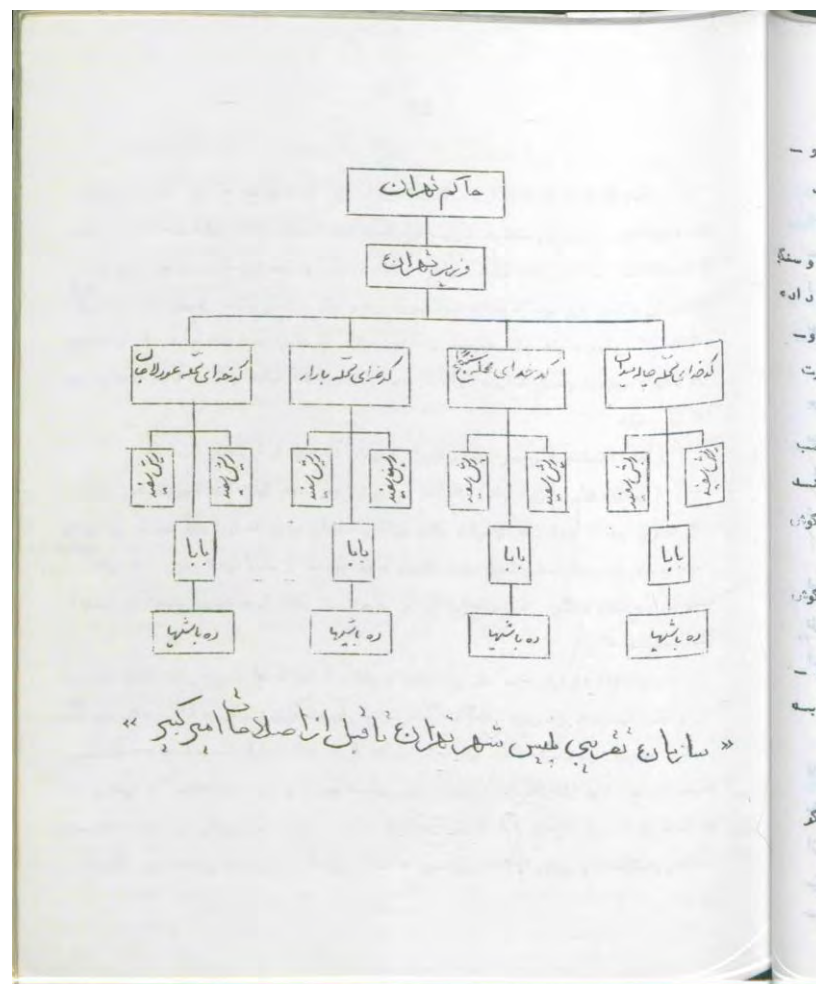
واژه پلیس از کلمه یونانی polis مشتق شده است . ریشه این واژه در زبان های لاتین و یونانی به ترتیب به معنی حکومت و مدیریت است . (سیفی فمی تفرشی ، ۱۳۶۲ : ص ۱۷) واژه پلیس در ایران دوره قاجار متداول شد و به عنوان تشکیلاتی برای ایجاد و حفظ امنیت در داخل شهرها بود اما پیش از آن نهاد هایی برای نظم و امنیت وجود داشت . (مدرسی و دیگران ، ۱۳۸۰ : ص ۱۰۹)

مأمور نظم و نگهبانی در دوره ی صفویه زیر نظر «دیوان بیگی» بود . دیوان بیگی به امور حقوقی دعاوی کیفری رسیدگی می کرد و به این ترتیب جلوگیری از جرم و تجاوز از قوانین بر عهده او بود . مأمورین انتظامی عبارت از داروغه (فرمانده انتظامی) میرشب (مأمور انتظامی) ، کشیک چی باشی (مأمور بستن دروازه های شهر) ، کلانتر و احداس ها (مأمور جستجو و جلب متهمین) بود . (افتخار زاده ، ۱۳۷۷ : صص ۱۲ ، ۱۳)

پلیس شهر در دوره ناصری به وسیله دو قوه بود یکی پلیس نظمیه و یکی سرباز افواجی که مأمور حفاظت شهر بودند و در قراولخانه حضور داشتند . قراولها که سرباز بودند از حیث انتظامات شهر تحت امر حکومت و کدخداهای شهر بودند . در آن زمان از ساعت ۴ و یا ۵ غروب رفت و آمد در شهر به کلی ممنوع بود (محسن صدر ، ۱۳۴۴ : ص ۱۳۵) قره سوران اصطلاحی ترکی بود و این عنوان به مأمورین تأمینیه داخلی و محافظین راهها اطلاق می شد و معنای تحت الحفظی آن « سیاهی گیتی » است . قره سوران عبارت از یک عده افراد چریک محلی مسلحی بودند که در هر ایالت و ولایت

استخدام و تحت اوامر مستقیم والی یا حاکم محل انجام وظیفه نموده ، راهها را حفظ می کردند و تابع یک تشکیلات و اداره مرکزی نبودند و فقط نشان شیرو خورشید به کلاه خود نصب می کردند .

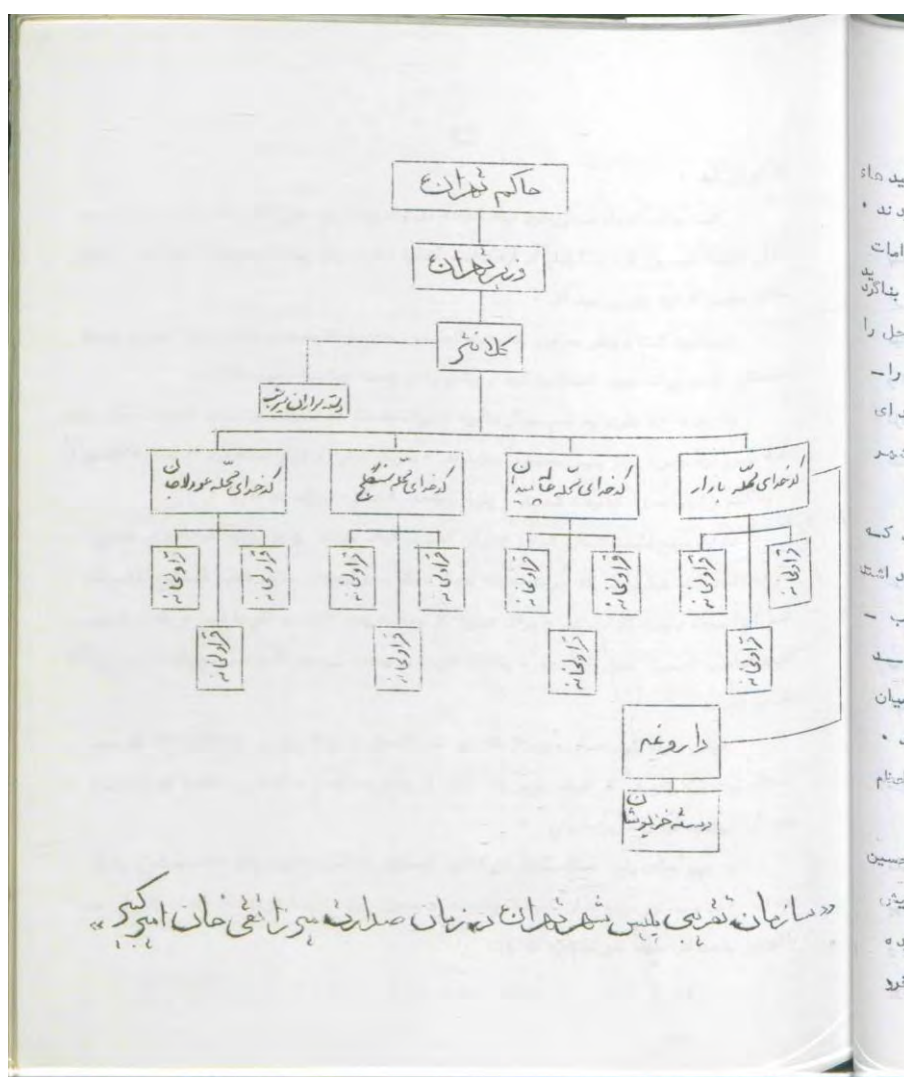
(افسر ، ۱۳۳۲ : ص ۱۹)



تاریخچه پلیس ایران ، منوچهر افشار ، ص ۴۸

افراد قره سوران معمولاً از گماشتگان خوانین محلی تبعیت می کردند که با رژیم مشروطه توافق و تناسبی نداشت . برای اجرا سازمان منظم نظامی بنا به پیشنهاد دولت و تصویب مجلس تشکیلاتی به

نام « امنیه دولتی » تأسیس گردید و سردار اسعد بختیاری در سال ۱۲۸۸ ه.ش به ریاست امنیه دولتی منصوب شد . اما چون امنیه دولتی با کمبود بودجه و موانع و مشکلات گوناگون و نداشتن تعداد کافی افسران و درجه داران مطلع نمی توانست تامین و امنیت را در تمام نقاط کشور حفظ و نظارت کلی نماید . دیری نپایید افراد امنیه به ژاندارمری منتقل شدند . (افسر ، پیشین : ص ۲۴)



تاریخچه پلیس ایران ، منوچهر افشار ، ۴۷

ناصرالدین شاه هنگامی که در سال ۱۲۹۵ ه. ق به اروپا رفت به این فکر افتاد که دستگاه پلیس ایران را سر و سامانی بدهد. به این جهت « کنت دومونت فورت »^۱ ایتالیایی برای اصلاح پلیس ایران به کار گمارده شد. وی مقرراتی برای پلیس وضع کرده بود که سعی داشت، استقلال کامل به دست آورد ولی با حکومت تهران همیشه در حال معارضه بود. (صدر، پیشین: ص ۱۳۶) کنت یک سال پس از استخدام در شوال ۱۲۹۶ ه. ق کتابچه « قانون نظمیه و بلدیّه » را نوشت و به تأیید شاه رساند و شاه نیز آن را به نایب السلطنه وزیر جنگ ارجاع داد. این قانون اولین رساله قانون پلیس بود. وظایفی که کنت برای پلیس در نظر گرفته بود بسیار گسترده بود و قدرت بسیاری به آن قوا تفویض می شد. (اتحادیه، ۱۳۷۷: ۱۲۴) بعد از کنت «نظم الدوله» که سمت مترجمی کنت را داشت، ریاست نظمیه ایران را به عهده گرفت. بعد از نظم الدوله به ترتیب «میرزا حسین خان» و «مختار السلطنه» رئیس نظمیه شدند. مختار السلطنه که پدر رکن الدین مختاری بود، شهربانی را به صورت تشکیلات منظم صحیح سازمان داد و نفرات پلیس را تحت لباس پلیسی درآورد و شهر تهران را به چهار ناحیه تقسیم کرد و محلات تهران و تعداد خانه ها و دکانین و کلیه ابنیه را نقشه برداری کرد. پس از مختار السلطنه، «رضا بالا» رئیس نظمیه شد که هنگام فتح تهران در سال ۱۲۸۸ ه. ش کشته شد. (پلیس در ایران ص ۱۱-۱۷)

۱. Conte de Monte Forte .



تاریخچه پلیس ایران ، منوچهر افشار ، ص ۵۰

در زمان مشروطیت ، ناصرالملک براساس قانون تشکیل ایالات و ولایات ، قشون و نظمیه را تابع وزارت داخله کرد . بعد از فتح تهران ، در کابینه سپهدار در سال ۱۳۲۷ ه.ق .امنیه دولتی به سرپرستی «ژنرال کستر زیس» اتریشی به وجود آمد . سازمان امنیه تا زمانی که پیرم خان ژاندارم پلیس را تشکیل می داد ، دایر بود و دولت در نظر داشت آنرا به منظور امنیت راهها و حفظ کاروانسراها تقویت کند اما به خاطر مشکلات مالی ، اداره امنیه به هم ریخت اما در زمانی که هنوز تشکیلات امنیه دولتی برقرار بود ، سازمان دیگری به نام ژاندارم پلیس ، بخشی از تشکیلات نظمیه محسوب می شد .

(معطوفی ، ۱۳۸۲ ، جلد دوم : ۱۰۷۷-۱۰۷۹)

بعد از یفرم خان ریاست ژاندارم پلیس به «مظفرخان اعلم» ملقب به سردار انتصار سپرده شد که وی لباس متحدالشکلی برای پلیس انتخاب کرد . براساس تلاش سردار انتصار پلیس تشکیل و منظم شد

و وظیفه ی آن حفاظت از حومه ی شهر تهران و احیاناً کمک به افراد پلیس در داخل شهر و تعیین مراقبت از سفارتخانه ها و بانک ها و بدرقه محمولات پستی و بانکی از تهران به ولایات بود. (افسر ، پیشین : ص ۲۵) این تشکیلات در سال ۱۳۲۹ ه.ق منحل گشت و افراد آن به سازمان جدید التأسيس ژاندارمری خزانه که به ریاست شوستر به وجود آمده بود ، منتقل شد اما با اخراج شوستر از ایران ، سازمان ژاندارمری خزانه در سال ۱۳۳۰ ه.ق در « ژاندارمری دولتی » که در حال تأسیس بود ، ادغام شد . در آستانه جنگ اول جهانی ژاندارمری دولتی دارای ۳۴ افسر سوئدی و ۶ فوج بود که مدرسه افسری (کاندیدا افسیه)^۱ در تهران ۴۰ شاگرد داشت و مدرسه درجه داری (سوزا افسیه)^۲ در تهران دارای ۱۵۰ شاگرد بود . ژاندارمری دولتی در ۱۵ اردیبهشت سال ۱۳۰۰ ه.ش از تابعیت وزارت داخله به صورت زیر مجموعه وزارتخانه درآمد اما از ۱۵ آذر همان سال این نیرو در قشون متحدالشکل ادغام شد (معطوفی ، پیشین : ۱۰۸۰ - ۱۰۸۳) که اصلی ترین علت شورش لاهوتی ، مخالفت با ادغام نیروی تحصیل کرده و وطن پرست ژاندارمری در قوه قزاق بود . (آبادیان پیشین:ص ۱۲۲)

بعد از مظفر خان اعلم ، صولت نظام رئیس نظمیه شد. پس از صولت نظام ، سوئدی ها بیش از ۱۰ سال به ریاست وستداهل سوئدی تا سال ۱۳۰۲ ه.ش رئیس نظمیه بودند . (پلیس در ایران ، صص ۲۱ ، ۲۰) تا پایان دوران سوئدی ها استان ها و شهرستان ها مستقل بودند و تحت نظر استاندار و یا فرماندار انجام وظیفه می کردند ولی از آن به بعد تمام شهربانیها تابع مرکز شدند . (همان :ص ۳۱)

^۱ Candide Officie

^۲ Souza Officie .

مستشاران نظامی خارجی - اعزام محصلین :

در دوران حکومت صفویه ، آموزش نظامی ، مورد توجه سلاطین آن دودمان ، مخصوصاً شاه عباس بود . وی از برادران شرلی خواسته بود که نظامیان ارشد ایرانی را با اصول و فنون نظامی ، که در اروپا تدریس می شد ، آشنا سازند . آنان در راه رسیدن به این هدف ، کوششهایی کردند ولی نظامیان ایرانی از اصول اروپاییان استقبال نکردند لذا موضوع آموزش فنون نظامی با روش اروپایی متوقف شد. (یکرنگیان ، ۱۳۸۴ : ص ۲۱۴)

در دوره قاجاریه ، آقا محمد خان در اواخر عمر خود از وجود چند تن از افسران مهاجر روسی که به ایران آمده بودند، استفاده برد و آنها را به تعلیم قوای خود گماشت و از قرار معلوم این عده در شهر قزوین به تشکیل و تعلیم قوا پرداختند و چندین گردان ناقص به دست آنها تشکیل یافت. این هیأت پس از برادران شرلی که در زمان شاه عباس اول صفوی به ایران آمدند نخستین افسران خارجی بودند که به کار تعلیم و تربیت ارتش ایران پرداختند. (تاریخ ارتش نوین ایران ، ص ۴)

در زمان فتحعلی شاه از سال ۱۳۲۳ ه. ق ژنرال گاردان از جانب ناپلئون در رأس هیأتی از افسران فرانسوی برای بررسی های نقشه ی لشگرکشی به هندوستان از راه ایران وارد این کشور شد . ارتش در این زمان به طور کلی از دو بخش قشون « پارکابی » و قشون « ولایتی » تشکیل می شد و قشون پارکابی در حدود ۷۵ هزار نفر همیشه ملتزم رکاب شاه و قوای ولایتی شاهزادگان و حکام محلی و سران ایلات بودند.